

تأملی در مسکن حیدرالات

کاظم - سادات اشکوری
مرکز مردم‌شناسی ایران



پله‌های نردبان مانند

حیدرالات heydaralât، دهیست جنگلی از دهستان گشت، شهرستان فومن، استان گیلان؛ که در دره‌ی «قلعه رودخان» بردشت کنار رودخانه جابخوش کرده است. این ده از شمال به روستای «قلعه رودخان»، از جنوب به «جلفه Jalfe»، از مشرق به «جنگل‌پندان Lapandân» و از مغرب به «نظرالات nazaralât» محدود می‌شود.

□

روستای «حیدرالات» ۲۸۴ نفر جمعیت دارد، در ۴۹ خانوار؛ که از این عده ۱۳۷ نفر زن و ۱۴۷ نفر مرد هستند. از این جمعیت ۲۳ خانوار کشاورزند، ۱۶ خانوار کارگر کشاورز، هفت خانوار دامدار، یک خانوار کاسب، یک خانوار چوپان و یک خانوار از کار افتاده.

مبنای معیشت در این ده کشاورزیست و دامداری، باغ و میوه و صنایع دستی در درجه‌ی دوم اهمیت قرار دارد. از محصولات کشاورزی، برنج مازاد بر احتیاج و چای به فروش می‌رسد، و باقی درخود ده مصرف می‌شود.

□

سیمای ده

از «قلعه رودخان» جاده مانندیست که به «نظرالات» و «سرتوت‌باغ» و «فوشه Fuse» و «لوسرا Laluserâ» می‌رود؛ از کنار رودخانه. از این جاده کمی که بگذریم، راهی

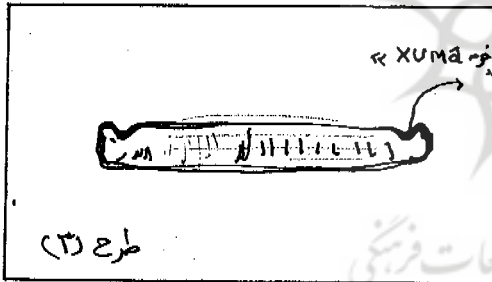
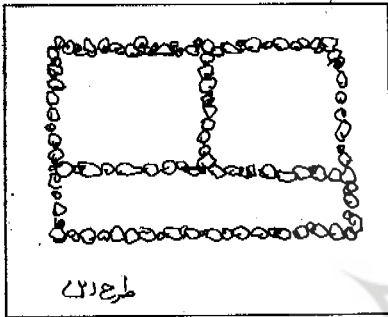
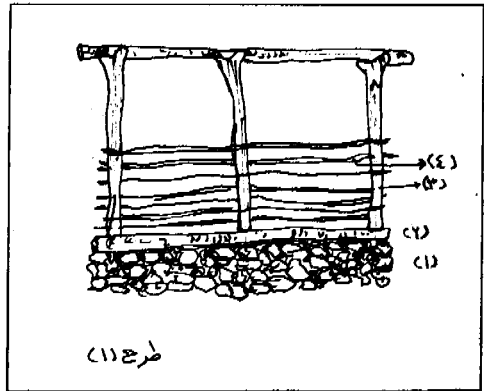
از مرکز استان (رشت) تا حیدرالات ۴۳ کیلومتر راه است و از مرکز شهرستان (فومن) ۱۸ کیلومتر. جاده از رشت تا فومن آسفالت است و از آنجا به بعد جاده‌ی شوسه‌ایست تا «گشت» که شاخه‌ای از این جاده تا «سیطلان sistalân» و «قلعه رودخان» ادامه می‌یابد.

درشهای بارانی جنگل.

بعدها که به کشاورزی روی آوردند، چونان امروز، شکل مسکن تغییر پیدا کرد و دوروبر خانه‌ها را مزرعه و باغ پوشاند. طویله‌ها - اغلب - در همان طبقه‌ی اول خانه‌ها جای گرفت؛ «کندوج» ای ساخته شد و «کشت»، درنگ را دامن زد.

مسکن، از بی تا سقف

گفتیم که «حیدرالات» دهی ست جنگلی، وهم از این سبب است که «چوب» نقشی خاص در مسکن این روستا دارد. در یک خانه‌ی یک اتاقی که اصطلاحاً «یک چشمه» نامیده می‌شود، چنین می‌بینیم:



۱ - در حدود ۲۰ تا ۲۵ سانتیمتر از سطح خاک سنگچین کرده‌اند (سنگ و گل) که «کونو Kono» نامیده می‌شود.
 ۲ - روی سنگچین چوب پهنی قرار داده‌اند به نام «نال nāl».

۳ - روی «نال» در فاصله‌ی ۱۰۰ تا ۱۵۰ سانتیمتر با توجه به استحکام چوب، «اودار udār» را عمودی نصب کرده‌اند.

۴ - در فاصله‌ی «اودار» ها، ساقه‌هایی به فاصله‌ی تقریبی بیست سانتیمتر میخ کرده‌اند، از دوطرف، که «اجاردوس ajār dâves» نامیده می‌شود. فاصله‌ی «اجاردوس» ها را با گیل پر کرده‌اند تا سقف. (طرح یک)

به دست چپ منشعب می‌شود و به رودخانه می‌رسد. بر رودخانه پلی نهاده‌اند از درختی با حائل‌هایی میخ شده بر آن. از این پلی که بگذریم «حیدرالات» آغاز می‌شود.

«حیدرالات» در دهنه‌ی دره نشسته است. نیمی از خانه‌ها در دشت کنار رودخانه و نیمی دیگر در دامنه‌ی تپه‌ها قرار گرفته‌اند. خانه‌ها دور از هم‌اند و هر خانه در حدود ۳۰۰۰ متر حیاط دارد که باغ کوچکی ست از لوبیا، پیاز، سیر، درختان به، انجیر، گوجه، انار ترش، توت، گردو ... و از این قبیل.

ده در دل درختها گم شده است. اصولاً در این منطقه، ده به آن معنا کمتر به چشم می‌خورد که یکجا به چشم آید. بلکه به هنگام گذر یک دوخانه می‌بینی و بعد که به پرس و جو می‌نشینی معلوم می‌شود در دل درختها و این سوی و آن سوی خانه‌های دیگر نیز قرار گرفته‌اند.

پراکندگی خانه‌ها، در بسیاری موارد، به باغ و مزرعه مربوط می‌شود؛ که هر که باغی احداث کرده یا مزرعه‌ای، نخست در آن جای خانه‌ای ساخته. و بعد که باغ را گسترش داده - فی‌المثل - و مزرعه را نیز، به خانه عنایتی کرده است. چرا که طبقه‌ی دوم اغلب خانه‌ها نوساز است و در طبقه‌ی اول نیز اگر یک اتاق بوده، اتاقهای دیگر افزوده‌اند. این - البته - به تغییر معیشت اینان از «دامداری» به «کشاورزی» مربوط می‌شود.

جز اینها - اصولاً - در دهنه‌ی دره‌ها و آنجا که رود از دره‌ای جنگلی سر برون می‌آورد، مسکن با چنین شکل و شمایل بسیار دیده می‌شود.

این مسکن - غالباً - از آن چوپانان کوچنده بوده است که در گذشته همگی قشلاق و بیلاق داشتند. در قشلاق دوروبر خانه را حفاظت می‌کردند، برای نگهداری دام؛ بدینسان که دور محوطه‌ای را «چپر» می‌کردند و دام را شب هنگام در آن جای می‌خوابانند؛ در صورت مطبوع بودن هوا؛ و گرنه طویله‌هایی چند از چوب می‌ساختند که پناهی باشد

تقاضای «پروانه» می‌کند؛ تا از چوب آن درخت «لت» تهیه کند. تنها «سره‌چو» sara cu، که زیر شیروانی قرار می‌دهند، نیاز به اجازه ندارد و از شاخ و وبال درختان به دست می‌آید.

□

مصالح که آماده شد؛ نجار با صاحب کار قرارداد می‌بندد.

اما تهیه‌ی مصالح هزینه‌هایی دارد:

۱ - يك خانه - به طور متوسط - هزار «الش» ales «۲»

چوب می‌برد، که «اره‌کش» بابت هر «الش» بین ۶ تا ۷ ریال مزد دریافت می‌دارد.

۲ - يك خانه - به طور متوسط - به هزار و پانصد «لت»

نیاز دارد، که تهیه‌کننده‌ی لت بابت هر «پنجاه لت»، یکصد ریال مزد می‌گیرد.

۳ - «سره‌چو» را اگر بخواهند بخرند، دانه‌ای بیست

ریال قیمت دارد. ولی اغلب افراد می‌روند و از جنگل تهیه می‌کنند.

۴ - برای تهیه «گل» (کاه‌گل) سه نفر به کار مشغول

می‌شوند که این سه نفر به طور متوسط برای يك خانه در حدود هفت هزار ریال مزد دریافت می‌دارند؛ و چهار «قوطی» برنج

($132 = 4 \times 33$ کیلو). صاحب کار «قند»، «چای»، «سیگار»

و خورشت غذای اینان را نیز می‌دهد.

بدینگونه مصالح آماده می‌شود و «نجار» شروع به کار می‌کند.

نخست صاحب کار نوع خانه‌ای را که می‌خواهد با «نجار» در میان می‌گذارد. مثلاً چهار «چمه Ceme» (چشمه) که

«Ka» (خانه - اتاق) می‌خواهم. و پس از گفت‌وگو و تعیین مزد، «نجار» به کار مشغول می‌شود.

نجار، نخست ریسمانی برمی‌دارد و با «الش» اندازه

می‌گیرد و هر «الش» را نیم متر به حساب می‌آورد. بعد يك سر ریسمان را به دست صاحب کار می‌دهد و با هم زمین را «ریسمان

می‌کشند»، یعنی طول و عرض زیر بنا را مشخص می‌کنند.

بعد از آن يك ردیف سنگ می‌چینند که «کونه سنگ» kuna seng نامیده می‌شود. روی ردیفهای سنگ؛ چوبهای

گردی قرار می‌دهند به نام «دورگون Durgun» و با چوبهای تراشیده‌ای که «نال nâl» نامیده می‌شود. (طرح دو)

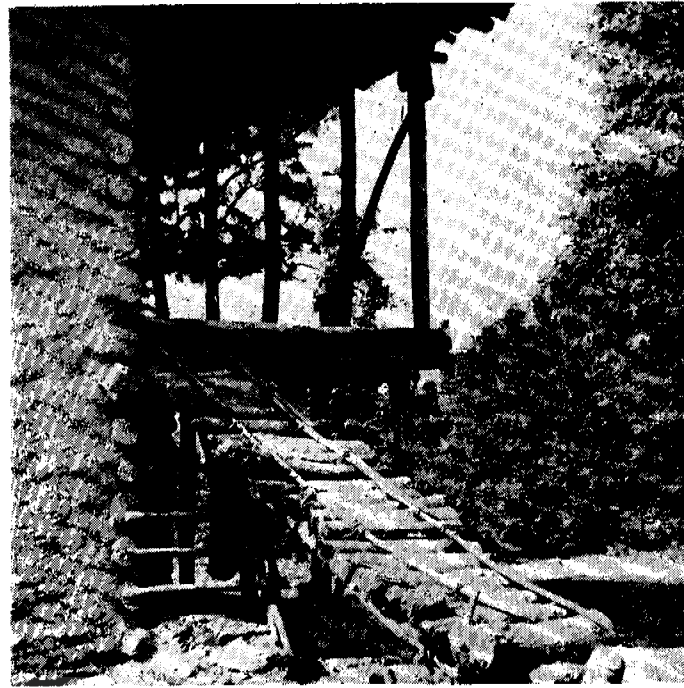
۱ - «کندوج Kanduj» به گویش طالشی «کوتی kuti»،

انبار برنج که بر چهار یا شش پایه‌ی چوبی قرار گرفته است.

۲ - الش: - از نك انگشت سبابه را گویند تا انتهای ساعد، آنجا که بازو خم می‌شود.

۳ - قبل از چینن سنگ، به این امید که خانه «یمن داشته باشد»،

سکه‌ای (يك، دو یا ده ریالی) زیر یکی از سنگها می‌گذارند.



پله‌های نردبان مانند

از این طرح چنین به نظر می‌رسد که استخوانبندی بنا از چوب است، و سنگ و گل در مرحله‌ی دوم قرار دارند. با این دید به خانه‌ای بزرگتر می‌نگریم و اینکه مصالح چگونه به دست می‌آید و خانه چگونه شکل می‌گیرد:

شخصی که می‌خواهد خانه‌ای برای خود بسازد، نخست به «جنگلبانی» می‌رود و اجازه می‌گیرد؛ و بعد به جنگل رو می‌آورد و درختهای مورد نیازش را قطع می‌کند. این درختها از نوع «الوش alus»، «وزم vezem» و «که ke» است. پس از قطع درختها، نوبت به «اره‌کش» ها می‌رسد که درخت را «اره» می‌کشند؛ یعنی چوبها را به اندازه‌های مورد نیاز درمی‌آورند؛ برای سقف و ستون. تراشیدن «در» نیز به عهده‌ی «اره‌کش» هاست.

همسایه‌ها و دوستان صاحب کار چوبها را از جنگل می‌آورند و از بابت این «یاوری yâvari»، «ناهار» را مهمان می‌شوند. «یاور» ها يك روز را هم اختصاص می‌دهند برای آوردن سنگ از کنار رودخانه. اما سنگ، به مقدار کمی از آن نیاز دارند و این کار وقت چندانی نمی‌گیرد. «یاور» ها به هنگام بستن «پلك» به «سره‌چو» نیز به کمک صاحبخانه می‌شتابند.

پس از آوردن چوبها از جنگل، و گاه قبل از آوردن، شخصی که می‌خواهد خانه بسازد برای قطع درخت دیگری



نمونه‌ای از يك «ونه»

«vâsân» - که تیرهای نازک‌تری است - می‌ریزند؛ به فاصله‌ی يك «الش و نیم» تا دو «الش». روی این تیرها «ورده» می‌گذارند. ریختن «واشان» و «ورده» به عهده‌ی صاحب‌کار است. (طرح پنچ)

گفتنی‌ست، کسانی که وضع بهتری دارند روی سقف طبقه‌ی دوم «لمبه lambe» - تخته‌های پهن - می‌کوبند. در غیر این صورت روی سقف «تالار» دیگر «ورده» نمی‌گذارند و به همان صورت باقی می‌ماند.



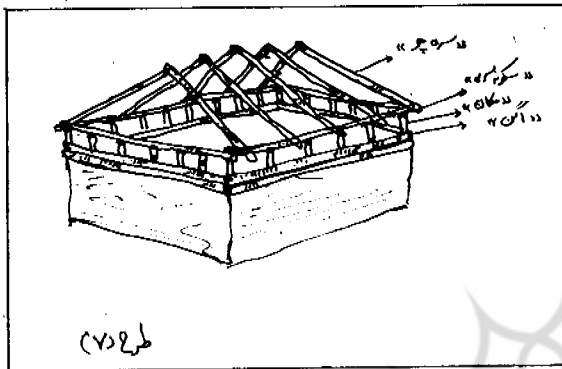
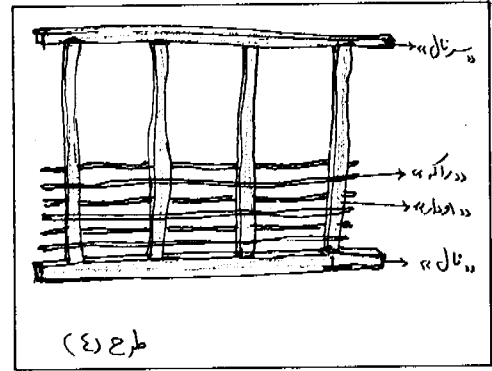
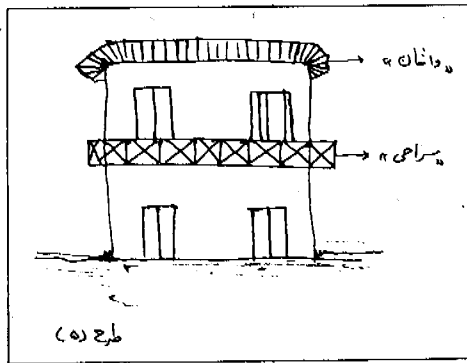
دور «تالار» (ایوان طبقه دوم) را «سراحی surâhi»^۴ می‌زنند، که این «سراحی» سه نوع است:

- ۱ - راست
 - ۲ - خورشیدی
 - ۳ - چپ و راست.
- سراحی را هنگامی می‌زنند که کارهای دیگر خانه،

اگر «دورگون» بگذارند، سر «تیر»ها را با تیر «خومه» بر می‌دارند، و چوبهای دیگر را در داخل «خومه» کار می‌گذارند تا سقف. (طرح سه) اگر «نال» بگذارند، چوبهایی عمود بر «نال» قرار می‌دهند که آن چوبها «اودار udâr» نامیده می‌شوند. و بعد فاصله‌ی «اودار»ها را از دوطرف «راکه Râka» می‌کوبند تا سقف؛ بدون اینکه تا قیجه یا پنجره‌ای در نظر گیرند. (طرح چهار)

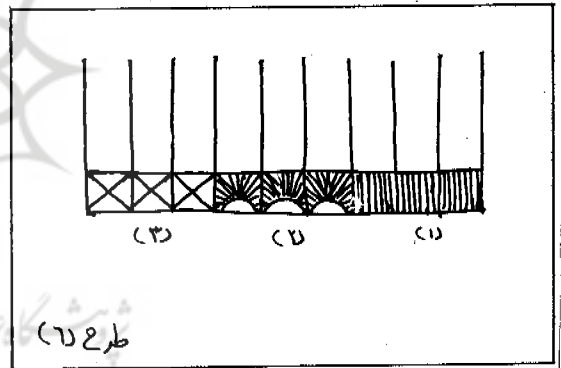
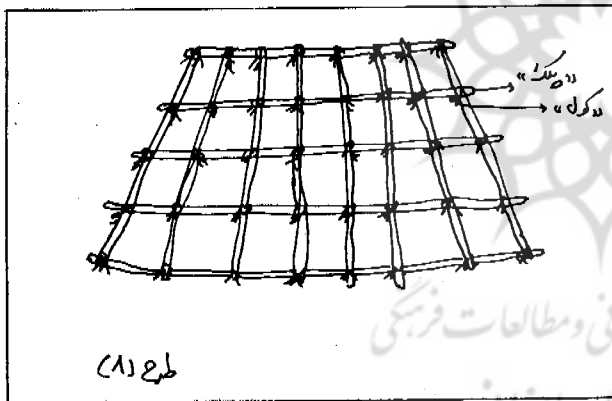
اگر دیوار با «دورگون» بالا بیاید، «دورگون»ی محکم در انتهای دیوار، و اگر با «نال» و «اودار» باشد، چوب تراشیده‌ای؛ به عنوان «سرنال sar nâl» قرار می‌دهند. پس از قراردادن «سرنال»، «تیر» گذاشتن به روی سقف آغاز می‌شود که برای هر اتاق ۴×۴ سه تیر کافی‌ست. بعد با «ورده varde»، که چوبهای نازک‌تری‌ست، سقف را می‌پوشانند.

اگر خانه دوطبقه باشد، آن قسمت از سقف را که روی «تالار telâr» (ایوان طبقه دوم) قرار می‌گیرد، «واشان»



به‌اتمام رسیده باشد. اما به‌هنگام ساختن خانه به‌طور متوسط برای هراتاق در طبقه‌ی اول يك در و برای طبقه دوم دو در در نظر می‌گیرند. (طرح شش)

سقف طبقه‌ی دوم که به پایان رسید، نخست «اگن egen» می‌زنند و بعد «سکان sokân»؛ به‌فاصله‌ی يك متر و نیم تا دومتر. روی «سکان»، «سکونه‌سری sokunasari» قرار می‌دهند و آن‌گاه دور خانه را «چاس cās» می‌زنند.



گیل‌زدن

استخوانبندی خانه که به‌اتمام رسید، گیل‌زدن آغاز می‌شود. گیل‌زدن به‌دیوار و پشت بام، ایوان طبقه‌ی دوم و... به‌عهده‌ی کسانی‌ست که «گل» تهیه می‌کنند.

پس از «چاس»، «سره‌چو sara cu» می‌زنند به‌فاصله‌ی يك الش در قسمت پائین، که در قسمت بالا چوبها به‌هم نزدیک می‌شوند. (طرح هفت) روی «سره‌چو»، «پلک pelk» می‌بندند. «پلک» چوبهای پهن و تراشیده‌ای‌ست چونان‌تخته که به‌فاصله‌ی يك «چارک» (و جب) از هم قرار می‌دهند. و بعد آن چوبها را با «سره‌چو» به وسیله‌ی «کول kaval» (پوست درخت) می‌بندند. بستن «پلک» به‌عهده‌ی صاحبخانه‌است که «یاور»ها نیز به‌کمکش می‌شناهند. (طرح هشت)

بدین‌ترتیب استخوانبندی خانه به‌پایان می‌رسد.

۴ - سرانی sorâi «آب» [آبکنار] نرده جلوی «تالار» طبقه‌ی دوم خانه‌های دهقانی را خوانند. فرهنگ گیلکی - گردآورنده: منوچهر ستوده - ص ۱۳۳.

يك خانه را سه بار گل می‌زنند:

گل اول : در گل اول، به دیوار و پشت بام کاه گل

می‌مالند.

گل دوم : گل اول که خشک شد، تقریباً ۱۵ تا ۲۰

روز صبر می‌کنند و بعد گل‌مالی دوم آغاز می‌شود که «دسه گیل dasa gil» نامیده می‌شود.

گل سوم : سه ده تا پانزده روز بعد از گل دوم، ماله کشی

می‌کنند. این گل که تمام شد؛ خانه را «حصیرانداز» (خشک و آماده) به صاحبخانه تحویل می‌دهند.



پس از پایان گل‌مالی، نوبت به ساختن در و پنجره

و «سراحی» و پلکان می‌رسد؛ و همینطور «رف»، که چوب پهنی‌ست و سراسر یکی از دیوارهای اتاق را می‌پوشاند.

درحقیقت شخصی که دیوارها و سقف خانه را می‌سازد،

با شخصی که در و پنجره و سراحی می‌سازد، فرق می‌کند. در

و پنجره‌ساز، مزد در و پنجره را دانه‌ای می‌گیرد و «سراحی» را

چشمه‌ای. و همین شخص «پلکان» نیز می‌سازد.

جنگلی‌ست و چوب فراوان، پوشش چهل و پنج‌خانه‌ی «حیدرالات»

بدینگونه است:

۱ - حلب : (۲) خانه. این دوخانه را سال قبل (۵۲)

حلب‌پوش کرده‌اند، که قبلاً لت‌پوش بوده است.

۲ - کلتش‌پوش : (۶) خانه. از این شش‌خانه، سه خانه

لت‌پوش بوده که بعد «کلتش» به کار برده‌اند و این‌شاید به‌تغییر

معیشت اینان از دامداری به کشاورزی مربوط می‌شود.

۳ - لت‌پوش : (۳۷) خانه.



چیدن «لت» و «کلتش» به عهده‌ی صاحب خانه است،

که اگر به‌تنهایی قادر به این کار نباشد، دیگران به کمکش

می‌شنابند. اما برای کوبیدن حلب از شهر (فومن) «حلب‌زن»

می‌آورند که برای پوشش سقف، ورقی، مزد می‌گیرد و برای

«ناودان» متری.

باری... خانه که ساخته‌شد در یکی از روزهای «پنجشنبه»،

«جمعه» یا «یکشنبه» به‌عنوان «نیت‌به‌خیر» اثاث‌کشی می‌کنند

و به‌خانه‌ی جدید می‌روند.

مساکن دیگر

جز چهل و پنج‌خانه‌ی مسکونی، حیدرالاتی‌ها سبزه

«کندوج» (کوتی kuti) دارند. که همه کلتش‌پوش است

و همینطور نوزده «گرگه‌لون karga lon» (مرغدانی) که

جلو‌خانه‌ها ساخته شده است و اغلب دوطبقه است و مصالح این

پله‌ها

در خانه‌های «حیدرالات» چند نوع پله دیده می‌شود:

۱ - «پله کون pele kun»، که پله‌هایی‌ست داخل

ایوان طبقه‌ی اول برای رفتن به طبقه‌ی دوم.

۲ - پرد pard، که پله‌هایی‌ست بیرون خانه؛ برای

رفتن به طبقه‌ی دوم. این پله‌ها دوتیغه است:

الف - چسبیده به دیوار ایوان.

ب - پله‌های نردبان مانند که از حیاط به ایوان طبقه‌ی

دوم (تالار) منتهی می‌شود. (تصویر يك ودو)

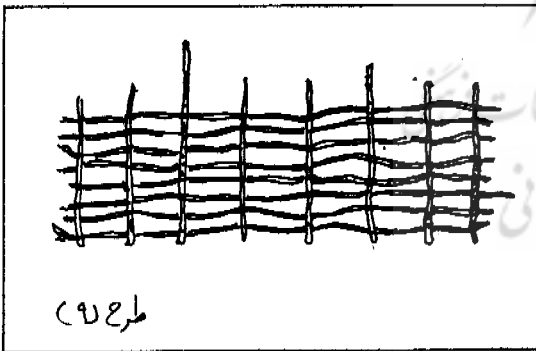
از میان این پله‌ها نوع اول متداول‌تر است و بعد «نوع

الف» و «نوع ب». در انتهای اغلب این پله‌ها دری‌ست که

«پلکونه‌بر pelkuna bar» نامیده می‌شود. این «در» را

هنگامی که به مزرعه یا باغ می‌روند می‌بندند تا مرغ و خروس

نتواند بالا برود و بچه‌ها نتوانند پایین بیایند.



سقف

مرغدانی‌ها همه از چوب و گل است؛ با سقف لت‌پوش.

(تصویر سه)

از خانوارهای کشاورز شش خانوار که در «قلعه

رودخان» مزرعه دارند، «کندوج» شان نیز در آن روستاست.

و هشت خانوار نیز برنج را در «آخور âxur» (طویله)

می‌گذارند.

سقف خانه‌های «حیدرالات» سه‌نوع پوشش دارد:

الف - لت

ب - کلتش

ج - حلب.

از این سه نوع پوشش، «لت» بیشترین است، که ده

در تمام ده مجموعاً چهار «مستراح» هست که چاهی کنده‌اند کمی دورتر از خانه و دور چاه را با «پرچین» کوتاهی بالا آورده‌اند، بی‌سقف و در.

جز این مساکن، هشت «ونه سرا vona serâ»، در قسمت جنوبی ده به چشم می‌خورد؛ که این «ونه»ها از آن دامداران عمده است. «ونه»ها یک طبقه‌اند که پشت بام (زیرشیروانی) جای نگهداری گوسفند و بز است در زمستان؛ و قسمت پائین - غالباً - از دو اتاقک تشکیل شده که یکی جای بره‌هاست و دیگری جای گوساله‌ها. گوشه‌ای از جای گوساله‌ها به چوپان اختصاص دارد که شب‌ها با «دام» به صبح می‌برد. در ایوان «ونه» علوفه نگهداری دارند، برای خوراک بره‌ها و گوساله‌هایی که در «ونه» می‌مانند.

این «ونه»ها - گفتیم - از آن دامداران عمده است، و دیگران همه در طبقه‌ی اول خانه‌شان طویله‌ای برای گاو دارند. (تصویر چهار)

از مساکن دیگر، دو دکان در «حیدرالات» هست که هر کدام از یک اتاقک تشکیل شده است. در این دکان‌ها: قند، لوله چراغ، نمک، قود، تیغ، خودکار، چای، صابون.

بیسکویت، روغن نباتی، سیگار، شانه، لامپ چراغ دستی، کش، آدامس، قرص وازاین قبیل می‌فروشند.

این دکان‌ها - در عین حال - قهوه‌خانه نیز به‌شمار می‌آیند که در گوشه‌ای از آن سماوری نهاده‌اند و یکی دو تخت چوبی در داخل دکان و ایوان؛ که روستائیان در لحظه‌های فراغت و گاه به‌هنگام رفتن به بیلاق و بازگشت از مزرعه و باغ بر این تخت‌ها می‌نشینند و جای می‌نوشند.

حصار حیاط و باغ و مزرعه

در «حیدرالات» دور باغ، مزرعه و حیاط خانه را برای حفاظت و همین‌طور برای اینکه گاو و گوسفند واسب به‌محمول آسیب نرسانند، چند نوع «پرچین» می‌کنند:

۱ - «دوجه dajava» - نوعی پرچین چوبی‌ست. در این پرچین، چوبهائی به‌فاصله‌ی تقریبی یک متر از هم بر زمین فرو می‌کنند و فاصله‌ی چوبها را با شاخه‌های «کوچی kuci» می‌بافند. (طرح نه)

۲ - «خاله‌پوآ xâle puâ» - پرچینی‌ست چوبی با این

لر دبانی برای ورود به حیاط





نمای یکی از خانه‌های دوطبقه

دوخانه، سه اتاق در طبقه‌ی دوم دارند و چهار و پنج اتاق در طبقه‌ی اول. (تصویرش)

قدیمی‌ترین خانه‌ها، يك اتاقی هستند و متداول‌ترین خانه‌ها، خانه‌هایی که يك اتاق در طبقه‌ی دوم دارند. و این خانه‌ها نخست يك اتاقی بوده که پس از تغییر معیشت اتاق‌هایی در طبقه‌ی اول برای دامها افزوده‌اند؛ و چون نمی‌توانسته‌اند به بیلاق بروند، اتاقی برای تابستان‌شان در طبقه‌ی دوم ساخته‌اند. اینان تابستانها گاه در «تار» (ایوان طبقه‌ی دوم) می‌خوابند که «پنوش‌دان» ponus dân «پشه‌بند» می‌زنند، و زمستانها به طبقه‌ی اول می‌آیند و با هیزم اتاق را گرم می‌کنند. (تصویر هفت)

مسکن در ارتباط با خانواده و معیشت

در «حیدرالات» اغلب پسرها که ازدواج می‌کنند از روی سفره‌ی پدری کنار می‌روند، و برای خود خانه‌ای جداگانه می‌سازند. قیاس کنید چهل و پنج خانه‌ی مسکونی را با چهل و نه خانوار جمعیت.

گفتنی است که، يك خانواده‌ی حیدرالاتی چندان توجهی به بهداشت ندارد. در بارش یکریز، گاه گل‌ولای تا وسط اتاقها

تفاوت که پایه‌هایی به فاصله‌ی بیست تا سی سانتیمتر در زمین فرو می‌کنند و در عین حال پایه‌ها رو به روی هم قرار می‌گیرند در دو ردیف. بعد فاصله‌ی پایه‌ها را با شاخ و بال درختان پر می‌کنند. (طرح ده)

۳ - «سنگه کله» senge kala که کمتر است. در این نوع، دیواری کوتاه با سنگ بالا آورده‌اند. و این بدان سبب است که ده در کنار رودخانه قرار گرفته است و سنگ به آسانی به دست می‌آید. اغلب مزارع و حیاط خانه‌هایی که نزدیکتر به رودخانه قرار گرفته‌اند، از این نوع حصار دارند. (طرح یازده).

۴ - «سیم کشی» sim kasi که پایه‌هایی در فاصله‌ی تقریبی يك متر و نیم فرو می‌کنند و بعد سیم خاردار می‌کشند. این نوع حصار کمتر است و به تازگی رو به توسعه نهاده. (طرح دوازده)

جز «سنگه کله»، پایه‌های بقیه‌ی حصارها را ناچارند هر سال یکبار عوض کنند؛ چرا که رطوبت پایه‌ها را می‌پوساند. بقیه‌ی چوبها را آن مقدار که خراب شده برمی‌دارند و چوبهای تازه می‌افزایند؛ و باقیمانده را به همان صورت می‌گذارند.

در ورودی حیاط خانه‌ها و باغها - غالباً - از چند تکه چوب که به صورت افقی بر چوبهای کلفت‌تر در گاهی قرار داده‌اند؛ تشکیل می‌شود. و گاه نردبان کوچکی است که تانیمه‌ی «پرچین» می‌آید، و گاه این نردبان کوچک در دو طرف «پرچین» قرار داده شده است. (تصویر پنج) در برخی از خانه‌ها نیز چند تکه چوب را به هم میخ کرده‌اند و به صورت در يك تخته‌ای در آورده‌اند و يك سوی این - به اصطلاح - در را به «پرچین» نصب کرده‌اند که روی پایه‌ای به حرکت درمی‌آید.

خانه‌ها از جهت تعداد اتاقها و طبقات

اکنون که طرحی از مساکن «حیدرالات» آورده شد، بهتر است گفته شود که، می‌توان خانه‌های مسکونی «حیدرالات» را از جهت تعداد اتاقها و طبقات نیز تقسیم‌بندی کرد:

۱ - خانه‌های يك طبقه : ۹ دستگاه. از این نه دستگاه، هفت خانه يك اتاقی است، يك خانه دو اتاقی و يك خانه سه اتاقی.

۲ - خانه‌های دوطبقه که تنها يك اتاق در طبقه‌ی دوم دارند : ۲۶ دستگاه. از این ۲۶ دستگاه، پنج خانه تنها يك اتاق در طبقه‌ی اول دارند و چهار خانه دو اتاق؛ و بقیه سه اتاق.

۳ - خانه‌های دوطبقه که بیش از يك اتاق در طبقه‌ی دوم دارند : ۱۰ دستگاه. از این ده دستگاه، جز دوخانه، بقیه دو اتاق در طبقه‌ی دوم دارند و سه اتاق در طبقه‌ی اول. آن

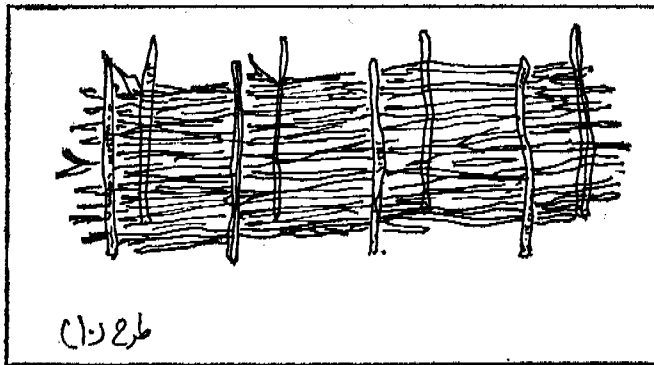
پیدا می‌شوند. ازدست پشه به «پشه‌بند» پناه می‌برند، اما چون مگس را به آسانی نمی‌توانند برانند؛ این است که روی خوراکی‌ها می‌نشینند و گاه بی‌اختیار در استکان چای می‌افتند و جان برسر دست می‌نهد!

اثاثیه خانه

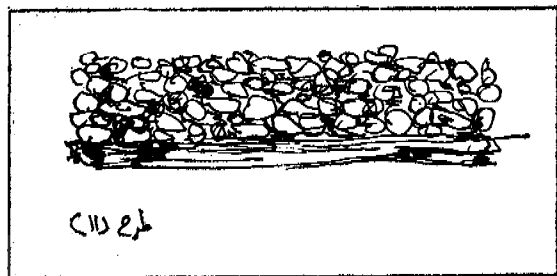
فرش بیشتر خانه‌های «حیدرالات» نمد است و حصیر و زیلو؛ و تعداد کمی قالی. اغلب، از ظروف روی استفاده می‌کنند و «مس» به تدریج از زندگی روزانه خارج می‌شود. همینطور سطهای نایلونی به تدریج به ده راه یافته است و رادیو، از وسائلی که تقریباً در همه‌ی خانه‌ها به چشم می‌خورد؛ «کنده kande» (استوانه‌ای چوبی برای نگهداری برنج)، «صندوق چوبی بزرگ» (برای نگهداری برنج)، دیگ، پاتیل، «چری Ceri» (ظرف شیردوشی)، «مشابه masâbe» (آفتابه‌ی مسی)، «لنگری langari» (بشقاب مسی)، بشقاب چینی، طاس، قاشق و چنگال (دربریخی خانه‌ها)، کفگیر مسی، «کترا katerâ» (کفگیر چوبی)، لیوان، «گزه zeze» (جارو)، «کتیل katil» (دوپایه‌ی چوبی)، «ماشه mâsa» (انبر)، «سه لنگه selenga» (سه‌پایه‌ی فلزی)، «دیزا diza» (دیگ سفالین)، تاوه، استکان و نعلبکی وقوری، «مرسا کتری mersa keteri» (کتری مسی)، چراغ ده، فانوس، چراغ زنبوری (دربریخی خانه‌ها)، بخاری (تعداد بسیار کم)، «سنگه خال senga xâl» (برای سائیدن مغز گردو)، «مشته سنگ moste seng» (سنگی برای سائیدن)، «قنده که qanda lâka» (برای قندشکستن)، «نقل‌دان» (ظرفی بلورین برای شکر یاترشی)، «گوشته کو gusta ku» (برای ریز کردن گوشت)، «تبچه tabaja» (طبق چوبی)، قندان، «دیوک divak» (هونگ - برای خرد کردن نمک)، دسته هونگ، «جبنده jebend» (دایره‌هائی بافته از حصیر که از سقف ایوان می‌آویزند، برای نگهداری هندوانه، خربزه و...)، «کچوپه kacupa» (دایره‌ای بافته برای قرار دادن زیر دیگ)، «واگره vagera» (جوراب کهنه‌ای است برای برداشتن دیگ از روی اجاق)، سینی، «موجهه mujema» (مجمعه)، طشت و... از این قبیل را می‌توان نام برد.

بررسی يك خانه

اکنون یکی از خانه‌های «حیدرالات» را که از جهت شکل و از جهات دیگر می‌توان در این روستا تعمیم داد، بررسی می‌کنیم:



طرح (۱)

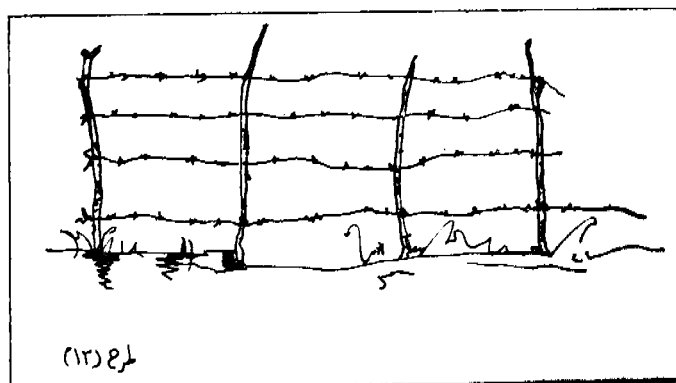
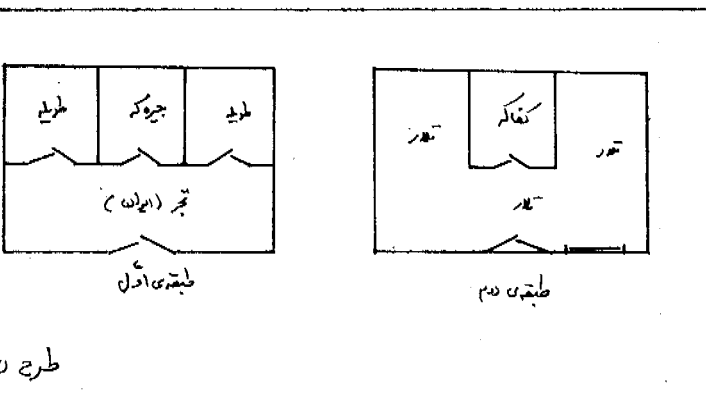


طرح (۲)

می‌آید؛ و همینطور ظرفها را در آب رودخانه‌ای که آلوده است می‌شویند. مخصوصاً در فصل کار فرصت کمی پیدا می‌کنند تا به خوراک خود برسند. ظرف غذا را بر اجاق می‌نهند و به دنبال کار می‌روند که ای‌سا مرغی نك بزند و با بادی گردو خاک در آن پاشد. نوع معیشت اینان که ناچارند در فصل بهار و تابستان همواره در مزرعه باشند، این فرصت را از آنان گرفته است. اما این نوع معیشت تأثیر چندانی در مسکن‌شان ننهاده است، چرا که هر کشاورز حیدرالاتی مختصر دامی نیز دارد. و این مختصر دام نیاز به «کلش» و «علوفه» دارد. این است که در اغلب خانه‌ها زیر شیروانی دسته‌های کلش به چشم می‌خورد. از طرفی دامداران بزرگ - گفتیم - طویله‌های جداگانه‌ای دارند به نام «ونه‌سرا». هم از این روست که خانه‌های ده جز از جهت تعداد اتاقها و طبقات، تفاوتی با هم ندارند.

حیوانات و حشرات خانگی

گذشته از مرغ و خروس و گربه که اغلب خانه‌ها نگه می‌دارند، موش، مار، پشه، سوسک، ساس، کک، شپش و مگس در خانه‌ها فراوان است. باینکه این‌ها و آخر - گه‌گاه - سمپاشی می‌کنند مع‌الوصف گویا مگس‌ها و پشه‌ها مصونیت پیدا کرده‌اند و دست از سر حیدرالاتی‌ها بر نمی‌دارند. موشها به انبارهای برنج روی می‌آورند و هم از این روست که نگهداری گربه رواج دارد. و پشه‌ها و مگسها و بقیه‌ی حشرات در همه‌جا



ایوان طبقه دوم (تلاز)

بر تیرهای جلو سقف چند «جبند jebend» آویزان است که «بشقاب»، «دیگ»، «تاوه» و... در آن نهاده‌اند. در طبقه دوم، از طریق نردبانی که چسبیده به دیوار «کفاکه» است به پشت بام می‌روند. و بر پشت بام (زیرشیروانی) «کاول kâvel» (خیش)، «لو lev»، «سیر»، «پیاز»، سیب‌زمینی و وسایل اضافی دیگر به چشم می‌خورد. این اشیاء همچنان بر پشت بام می‌ماند، اما وسایل روی «تلاز»، جز اجاق، در فصل سرد به طبقه اول منتقل می‌شود.

این خانه دو طبقه است که طبقه اولش سه اتاق دارد و یک ایوان؛ و طبقه دوم یک اتاق هست و سد طرف اتاق «تلاز».

اتاقهای طبقه اول این خانه هیچکدام پنجره ندارد. «جیره که jiraka» اتاق نشیمن است در زمستان، که یک رف چوبی دارد، و این رف سراسر یک طرف دیوار را پوشانده است. یک «چپر» نیز دارد که از چند شاخه درخت تشکیل شده و بالای اجاق قرار گرفته است. روی این «چپر»، «جو» (شلتوک) را خشک می‌کنند.

«جیره که» $3/10 \times 3/10$ متر است. طولی یک، $1/60 \times 3/10$ متر در یک طرف «جیره که» و طولی دو، $3/20 \times 3/10$ متر در طرف دیگر قرار دارد. درها دولنگه است (60×137 سانتیمتر) که با زبانه‌ای به چارچوب بالا وصل می‌شود.

بر تیرهای جلو ایوان «جبند jebend» آویخته‌اند برای «گمیج» (ظرف سفالین)، «هندوانه»، «خریزه» و... قریب شش‌ماه از سال را در این طبقه به سر می‌برند.

در «کفاکه kafaka» (اتاق طبقه دوم) شش ماه دیگر را به سر می‌برند در فصل گرم. این اتاق با حصیر فرش شده است و پنجره‌ای دارد دولنگه و شیشه‌ای. یک رف سراسر یک طرف دیوار را پوشانده و دری دارد به اندازه‌ی در اتاقهای طبقه اول. در عرض این اتاق بزرگتر است ($433/80$ متر) و نور بیشتری دارد.

گذشته از اجاق که گوشه‌ی «تلاز» قرار دارد، برخی وسایل زندگی نیز در گوشه و کنار «تلاز» دیده می‌شود. از قبیل: «چری ceri»، «کنده kande»، «تاوه»، «سنگه‌خال senge kâl»، «مشته سنگ moste seng»، «کچوپه kacupa»، «قند لاکه qand lâka»، «کتیل katil» و... (طرح سیزده)